



جنبش فمینیستی آمریکا

دهه‌های ۶۰ و ۷۰
و رفع موانع برای زنان

The American Feminist Movement Breaking Down Barriers for Women in the 1960s-70s

Vision and Motivation

In 1960, the world of American women was limited in almost every respect, from family life to the workplace. A woman was expected to follow one path: to marry in her early 20s, start a family quickly, and devote her life to homemaking. As one woman at the time put it, "The female doesn't really expect a lot from life. She's here as someone's keeper - her husband's or her children's."¹ As such, wives bore the full load of housekeeping and child care, spending an average of 55 hours a week on domestic chores.² They were legally subject to their husbands via "head and master laws," and they had no legal right to any of their husbands' earnings or property, aside from a limited right to "proper support"; husbands, however, would control their wives' property and earnings.³ If the marriage deteriorated, divorce was difficult to obtain, as "no-fault" divorce was not an option, forcing

بینش و انگیزه

در سال ۱۹۶۰، زنان آمریکا در زمینه‌های مختلف، از زندگی خانوادگی گرفته تا محیط کار با محدودیت‌های بسیاری مواجه بودند. همه زنان می‌بایست از یک الگو پیروی می‌کردند: ازدواج در سن ۲۰ سالگی و تشکیل خانواده. بر اساس گفته یکی از زنان آن روز «یک زن چیز زیادی از زندگی خود نمی‌خواست. او می‌بایست از زندگی فرد دیگری، خواه شوهر، خواه فرزندان، نگهداری می‌کرد». ^۱ بنابراین، زنان بار اصلی خانه‌داری را بر دوش داشتند و به طور متوسط ۵۵ ساعت در هفته صرف امور خانه می‌کردند. ^۲ زنان طبق قانون، به طور کامل وابسته به شوهرشان بودند و جز در مورد بسیار محدودی که می‌بایست از حمایت مناسب بهره‌مند می‌شدند، حقی نسبت به درآمد یا اموال شوهر نداشتند و این در حالی بود که شوهر اختیار اداره امور مالی زن را داشت. ^۳ زنان در زمینه طلاق نیز با محدودیت‌های زیادی روبرو بودند، به طوری که حتماً می‌بایست ثابت می‌کردند که شوهر مرتکب عمل خطایی شده تا

women to prove wrongdoing on the part of their husbands in order to get divorced.⁴

The 38 percent of American women who worked in 1960 were largely limited to jobs as teacher, nurse, or secretary.⁵ Women were generally unwelcome in professional programs; as one medical school dean declared, "Hell yes, we have a quota... We do keep women out, when we can. We don't want them here — and they don't want them elsewhere, either, whether or not they'll admit it."⁶ As a result, in 1960, women accounted for six percent of American doctors, three percent of lawyers, and less than one percent of engineers.⁷ Working women were routinely paid lower salaries than men and denied opportunities to advance, as employers assumed they would soon become pregnant and quit their jobs, and that, unlike men, they did not have families to support.

In 1962, Betty Friedan's book *The Feminine Mystique* captured the frustration and even the despair of a generation of college-educated housewives who felt trapped and unfulfilled. As one said, "I'm desperate. I begin to feel I have no personality. I'm a server of food and a putter-on of pants and a bedmaker, somebody who can be called on when you want something. But who am I?"⁸ Friedan stunned the nation by contradicting the accepted wisdom that housewives were content to serve their families and by calling on women to seek fulfillment in work outside the home. While Friedan's writing largely spoke to

بتوانند طلاق بگیرند.^۴

در سال ۱۹۶۰، ۳۸ درصد از زنان آمریکا در محیط‌های بیرون از خانه مشغول به کار بودند که البته با محدودیت‌های شغلی بسیاری روبرو می‌شدند.^۵ از جمله آنکه زنان تنها می‌توانستند در مشاغلی چون معلمی، پرستاری و یا منشی‌گری فعالیت کنند. زنان راهی به محیط‌های آکادمیک و حرفه‌ای نداشتند؛ این اظهارات رئیس یکی از دانشکده‌های پزشکی در این باره است: «بله، ما سهمیه‌بندی داریم ... هر زمان که بتوانیم، زنان را بیرون می‌کنیم. ما آنها را اینجا نمی‌خواهیم و جاهای دیگر نیز آنها را نمی‌خواهیم چه خودشان بپذیرند چه نپذیرند.»^۶ در سال ۱۹۶۰، تنها ۶ درصد از پزشکان آمریکا، ۳ درصد از وکلا و کمتر از ۱ درصد از مهندسين را زنان تشکیل می‌دادند.^۷ همچنین زنان شاغل، نصف مردان حقوق دریافت می‌کردند و امکان پیشرفت شغلی برایشان وجود نداشت. اعتقاد عمومی کارفرمایان این بود که زنان به زودی باردار شده و شغل خود را به سرعت ترک می‌کنند.

در سال ۱۹۶۲، کتاب بتی فریدن، تحت عنوان *جذبه زنانه*، انعکاسی از نومییدی زنان و حتی زنان تحصیل کرده‌ای بود که احساس می‌کردند در فضای خانه حبس شده‌اند. یکی از زنان آمریکایی در این باره گفته: «من کاملاً ناامید هستم. احساس می‌کنم شخصیت ندارم. زندگی من در درست کردن غذا، مرتب کردن لباس‌ها و خانه خلاصه شده. در خانه هر وقت به من نیاز باشد، مرا صدا می‌زنند. اما من چه کسی هستم؟»^۸ فریدن با چنین فرهنگ تبعیض آمیزی به مقابله برخاست و زنان را به فعالیت در خارج از خانه ترغیب کرد. نوشته‌های فریدن به طور گسترده‌ای زنان تحصیل کرده، متوسط رو به بالا و سفیدپوست را مورد

an audience of educated, upper-middle-class white women, her work had such an impact that it is credited with sparking the "second wave" of the American feminist movement. Decades earlier, the "first wave" had pushed for women's suffrage, culminating with the passage of the 19th Amendment that gave women the right to vote in 1920. Now a new generation would take up the call for equality beyond the law and into women's lives.

Goals and Objectives

The feminist movement of the 1960s and '70s originally focused on dismantling workplace inequality, such as denial of access to better jobs and salary inequity, via anti-discrimination laws. In 1964, Representative Howard Smith of Virginia proposed to add a prohibition on gender discrimination into the Civil Rights Act that



was under consideration. He was greeted by laughter from the other Congressmen, but with leadership from Representative Martha Griffiths of Michigan, the law passed with the amendment intact.⁹

However, it quickly became clear that the newly established Equal Employment Opportunity Commission would not

خطاب قرار می‌داد، طوری که به عنوان موج دوم جنبش فمینیستی آمریکا شناخته شد. موج اول فمینیستی در سال ۱۹۲۰، با تصویب متمم ۱۹ آغاز گردید که طی آن زنان توانستند حق رای بگیرند و پس از چند دهه زنان نه تنها خواستار اصلاح در قانون بلکه خواستار تغییرات در زندگی روزمره‌شان می‌شدند.

اهداف و مقاصد

هدف اصلی جنبش فمینیستی دهه ۶۰ و ۷۰، از بین بردن نابرابری در محیط‌های کاری همچون عدم دسترسی به مشاغل بالا و نابرابری در دریافت حقوق از طریق تصویب قوانین برابر بود. در سال ۱۹۶۴، نماینده ایالت ویرجینیا، هوارد اسمیت، پیشنهاد کرد که در قانون مدنی، تبعیض جنسیتی ممنوع اعلام شود. علی‌رغم اینکه این پیشنهاد با تمسخر بقیه نمایندگان کنگره مواجه گردید، در نهایت با حمایت نماینده میشیگان، مارتا گریفیتس، قانون مورد نظر به تصویب رسید.^۹

پس از مدت کوتاهی فعالان جنبش زنان به این نتیجه رسیدند که کمیسیون فرصت‌های برابر استخدام، نمی‌تواند حمایت قانونی از زنان کارگر را تضمین نماید، در نتیجه گروهی از زنان فمینیست همچون بتی فریدن تصمیم گرفتند سازمانی را جهت مبارزه با تبعیض جنسیتی از طریق نظام قانون‌گذاری و قضاییه، بنیان نهند. در تابستان ۱۹۶۶، این گروه فمینیستی، سازمان ملی زنان را تأسیس نمودند تا از این طریق بتوانند برای تصویب قوانین برابر در کنگره، لابی کرده و به زنانی که در اعتراض به تبعیض کاری در دادگاه‌ها پرونده دارند، کمک حقوقی ارائه کنند.^{۱۰}

نسل بتی فریدن برای از بین بردن نظام تبعیض

enforce the law's protection of women workers, and so a group of feminists including Betty Friedan decided to found an organization that would fight gender discrimination through the courts and legislatures. In the summer of 1966, they launched the National Organization for Women (NOW), which went on to lobby Congress for pro-equality laws and assist women seeking legal aid as they battled workplace discrimination in the courts.¹⁰

As such, Betty Friedan's generation sought not to dismantle the prevailing system but to open it up for women's participation on a public, political level. However, the more radical "women's liberation" movement was determined to completely overthrow the patriarchy that they believed was oppressing every facet of women's lives, including their private lives.¹¹ They popularized the idea that "the personal is political" - that women's political inequality had equally important personal ramifications, encompassing their relationships, sexuality, birth control and abortion, clothing and body image, and roles in marriage, housework and childcare.¹² As such, the different wings of the feminist movement sought women's equality on both a political and personal level.

Leadership

The feminist movement was not rigidly structured or led by a single figure or group. As one feminist wrote, "The women's movement is a non-hierarchical one. It does things collectively and

آماده نبود، بلکه به دنبال فراهم کردن شرایطی بود تا زنان بتوانند در عرصه عمومی مشارکت داشته باشند. در حالی که جنبش تندروتر «آزادی زنان» به دنبال از بین بردن نظام مردسالاری بود که به عقیده آنها تمام زندگی زنان را تحت تاثیر خویش قرار داده بود.^{۱۱} آنها این عقیده را ترویج می‌کردند که «شخصی سیاسی است» - بدین صورت که نابرابری سیاسی علیه زنان بر بخش‌های مختلف زندگی خصوصی افراد تاثیر می‌گذارد، از جمله روابط خصوصی، رابطه زناشویی، بارداری، سقط جنین، پوشش بدن، نقش افراد در ازدواج، خانه‌داری و تربیت فرزندان.^{۱۲} در واقع فعالان جنبش زنان، خواستار برابری در هر دو بخش سیاسی و زندگی خصوصی بودند.

رهبری

جنبش فمینیستی به صورت مشخص از سوی یک نفر یا یک گروه هدایت نمی‌شد. بنا به گفته یکی از فعالین فمینیستی «در جنبش زنان، سلسله مراتب وجود ندارد. فعالیت‌های جنبش به صورت گروهی و تجربی انجام می‌شود».^{۱۳} در واقع جنبش به دو بخش تقسیم می‌شد؛ جوانان و افراد مسن‌تر، طبقه بالا و پایین جامعه، محافظه‌کاران و تندروها. بتی فریدن به دنبال این بود تا جنبش زنان را تبدیل به بخش قابل قبولی از جامعه آن روز کند. او از آنچه که به عنوان مکتب فمینیستی «سیاست ارگاسم ضد مرد» می‌خواند، فاصله می‌گرفت. او حتی سال‌ها تلاش کرد تا به طور ضمنی این مساله را القا نماید که گلوریا استاینم، رهبر جوان فمینیستی، با «اف بی آی» و «سی آی ای» در ارتباط است.^{۱۴} فمینیست‌های جوان‌تر به نسل قدیم بی‌اعتماد بودند و سازمان ملی زنان را محافظه کار می‌خواندند که به دور از واقعیت روز

experimentally."¹³ In fact, the movement was deeply divided between young and old, upper-class and lower-class, conservative and radical. Betty Friedan was determined to make the movement a respectable part of mainstream society and distanced herself from what she termed the "bra-burning, anti-man, politics-of-orgasm" school of feminism; she even spent years insinuating that the young feminist leader Gloria Steinem had sinister links to the FBI and CIA.¹⁴ Younger feminists, for their part, distrusted the older generation and viewed NOW as stuffy and out of touch: "NOW's demands and organizational style weren't radical enough for us."¹⁵

When these divides were combined with a reluctance to choose official leaders for the movement, it gave the media an opening to anoint its own "feminist leaders," leading to resentment within the movement. Meanwhile, in this leadership vacuum, the most assertive women promoted themselves as leaders, prompting attacks from other women who believed that all members of the movement should be equal in status.¹⁶

Nonetheless, women like Gloria Steinem and Germaine Greer attracted media attention through both their popular writings and their appealing image. They played a key role representing feminism to the public and the media — providing attractive examples of women who were feminists without fitting the negative stereotypes of humorless, ugly, man-hating shrews.¹⁷

گام برمی‌دارند: «خواسته‌های سازمان ملی زنان و ساختار آن جواب‌گوی ما نبود».^{۱۵}

زمانی که این دوگانگی‌ها با بی‌توجهی نسبت به انتخاب رهبران رسمی جنبش همراه شد، فضا برای رسانه‌ها آماده شد تا رهبران خود را مطرح کنند. این مساله خشم جنبش را برانگیخت. در همین حال، گروهی از زنان مدعی، خود را به عنوان رهبران جنبش معرفی کردند. این موضوع



هم باعث برانگیخته شدن دیگر زنان شد، چرا که آنها معتقد بودند تمامی اعضای جنبش می‌بایست در یک سطح قرار گیرند.^{۱۶}

با این وجود، زنانی چون گلوریا استاینم و ژرمن گریر توانستند با نوشته‌ها و تصویر جذاب‌شان، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کنند. آنها به عنوان نمونه‌های خوب و جذاب از زنان فمینیست، در شناساندن فمینیسم به عموم مردم

Civic Environment

In large part, the success of the feminist movement was driven by a favorable confluence of economic and societal changes. After World War II, the boom of the American economy outpaced the available workforce, making it necessary for women to fill new job openings; in fact, in the 1960s, two-thirds of all new jobs went to women.¹⁸ As such, the nation simply had to accept the idea of women in the workforce. Meanwhile, as expectations for a comfortable middle-class lifestyle rose, having two incomes became critical to achieving this lifestyle, making women's participation in the workforce still more acceptable.¹⁹

But many of these women were relegated to low-paying clerical and administrative work. What opened the door for women to pursue professional careers was access to the Pill - reliable oral contraception. Knowing that they could now complete years of training or study and launch their career without being interrupted by pregnancy, a wave of young women began applying to medical, law, and business schools in the early 1970s. At the same time, the Pill made the "sexual revolution" possible, helping to break down the double standard that allowed premarital sex for men but prohibited it for women.

Feminist leaders were also inspired by the Civil Rights movement, through which many of them had gained civic organizing experience. At the same time, black women played a key role in the Civil

و رسانه‌ها نقش کلیدی ایفا کردند تا این تصور را ایجاد کنند که زنان فمینیست لزوماً چهره‌های منفی زشت ضد مرد نیستند.^{۱۷}

فضای مدنی

بخش بزرگی از موفقیت جنبش زنان، به تحولات اقتصادی و اجتماعی آن زمان برمی‌گردد. پس از جنگ جهانی دوم، شکوفایی اقتصاد آمریکا باعث شد تا زنان، مشاغل جدید را در دست بگیرند. در واقع در دهه ۶۰، دو سوم مشاغل جدید در دست زنان قرار گرفت.^{۱۸} بنابراین، جامعه می‌بایست پذیرای زنان در محیط‌های کاری می‌شد. در همین حال، با بالا رفتن انتظارات طبقه متوسط، داشتن دو منبع درآمد اجتناب‌ناپذیر بود به طوری که این امر پذیرش زنان در محیط‌های کاری را امکان‌پذیر می‌کرد.^{۱۹}

اما بسیاری از این زنان در مشاغل کم‌درآمد و دفتری گمارده می‌شدند. آنچه که باعث شد زنان در مشاغل حرفه‌ای در نظر گرفته شوند، دسترسی به داروهای ضد بارداری بود. با ایجاد این تفکر که بدون هیچ وقفه و نگرانی بابت بارداری، زنان می‌توانند تحصیلات خود را تمام کرده و وارد بازار کار شوند، در اوایل دهه ۷۰، موج گسترده‌ای از زنان جوان در رشته‌های پزشکی، حقوق و تجارت مشغول به تحصیل شدند. در همین زمان، دسترسی به داروهای ضد بارداری، آنچه که به عنوان انقلاب جنسی از آن یاد می‌شود را امکان‌پذیر کرد، به طوری که روابط جنسی برای زنان نیز مانند مردان آزاد شد.

رهبران فمینیستی متأثر از جنبش حقوق مدنی نیز بودند، به طوری که در طی آن بسیاری از آنها تجربیات جدیدی را در خصوص سازمان‌دهی مدنی فرا گرفتند. در همین زمان، زنان سیاه‌پوست

Rights movement, especially through local organizations, but were shut out of leadership roles.²⁰ Meanwhile, the women's anti-war movement was joined by a new generation of more radical young women protesting not only the Vietnam war but also "the way in which the traditional women's peace movement condoned and even enforced the gender hierarchy in which men made war and women wept."²¹ On college campuses, women joined in the leftist student movement, but their efforts to incorporate women's rights into the New Left were ignored or met with condescension from the male student leaders; at one New Politics conference, the chairman told a feminist activist, "Cool down, little girl. We have more important things to do here than talk about women's problems."²² As a result, women split off from the movements that marginalized them in order to form their own movement.

At the same time, the FBI viewed the women's movement as "part of the enemy, a challenge to American values," as well as potentially violent and linked to other "extremist" movements.²³ It paid hundreds of female informants across the country to infiltrate the women's movement.²⁴ While this infiltration intensified paranoia and eroded trust among activists, it did not change the course of the movement as it continued to fight for equal rights.²⁵

Message and Audience

The women's movement used different means to strive for equality: lobbying Congress to change laws; publicizing

نیز نقش کلیدی را در جنبش حقوق مدنی به خصوص از طریق سازمان‌های محلی ایفا نمودند، اما این گروه از زنان در پست‌های رهبری جایی نداشتند.^{۲۰} هم‌زمان، جنبش زنان ضد جنگ از طرف گروهی از زنان جوان تندرو به وجود آمد که نه تنها نسبت به جنگ در ویتنام بلکه نسبت به برتری مردان و تصمیمات مردانه در روند جنگ و صلح نیز معترض بودند.^{۲۱} در دانشگاه‌ها زنان به جنبش دانشجویی چپ پیوستند اما تلاش‌هایشان برای نهادینه کردن حقوق زنان در جناح چپ جدید، از سوی رهبران دانشجویی که از مردان تشکیل می‌شدند، با بی‌اعتنایی روبرو شد. در کنفرانسی با عنوان سیاست جدید، رئیس جلسه خطاب به یکی از فعالان فمینیستی چنین گفت: «آرام باشید، دختر کوچک. ما در اینجا مسائل بسیار مهم‌تری از حقوق زنان داریم که باید انجام دهیم.»^{۲۲} در نتیجه چنین برخوردهایی زنان نیز از گروه‌های موجود فاصله گرفتند تا خود به طور مستقل سازمان‌دهی شوند.

در همین زمان، اف بی آی نیز جنبش زنان را به عنوان: دشمن، گروه‌های تندرو، خشن و راهی برای مبارزه با ارزش‌های آمریکایی تلقی می‌کرد.^{۲۳} برای همین صدها زن به عنوان عامل نفوذی در جنبش زنان وارد شدند.^{۲۴} با اینکه این مساله اعتماد میان فعالان را مخدوش می‌کرد، باز هم نتوانست در روند اصلی جنبش که همان مبارزه برای حقوق مساوی بود تأثیر بگذارد.^{۲۵}

پیام و مخاطب

جنبش زنان راه‌های مختلف را برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کرد، که عبارتند از: لابی‌گری در کنگره برای تغییر قوانین، عمومی کردن مباحثی چون تجاوز و خشونت خانگی از

issues like rape and domestic violence through the media; and reaching out to ordinary women to both expand the movement and raise their awareness of how feminism could help them.

Early in the women's liberation movement, which was deeply rooted in the New Left, activists took an aggressive approach to their protests. Protests against sexism in the media ranged from putting stickers saying "Sexist" on offensive advertisements to holding sit-ins at local media outlets, all the way to sabotage of newspaper offices.²⁶ This approach sometimes crossed the line into offensiveness, as at the 1968 demonstration outside the Miss America pageant in Atlantic City, where activists protested objectification of women by waving derogatory signs like "Up Against the Wall, Miss America." While the event attracted widespread media coverage (and launched the myth that feminists burned bras), the approach was alienating. As a result, many activists resolved to "stop using the 'in-talk' of the New Left/Hippie movement" and strive to reach ordinary women across the country.²⁷

"Consciousness-raising groups" became an effective way to do so; in small groups in local communities, women explored topics such as family life, education, sex, and work from their personal perspectives. As they shared their stories, they began to understand themselves in relation to the patriarchal society they lived in, and they discovered their commonalities and built solidarity;

طریق رسانه‌ها و نزدیکی به زنان عادی جامعه جهت گسترش جنبش و افزایش آگاهی نسبت به کارکرد جنبش در زندگی روزمره آنها.

در اوایل فعالیت‌های جنبش آزادی‌خواهانه زنان که بسیار متأثر از جناح چپ جدید بود، فعالان در اعتراضاتشان رویکرد تهاجمی گرفتند. اعتراض علیه تبعیض جنسی در رسانه‌ها از طرق مختلف انجام می‌شد، از زدن برچسب سکسی در تبلیغات توهین‌آمیز گرفته تا تحصن در دفتر روزنامه‌ها.^{۲۶} چنین رویکردی چندان بی‌تاثیر نبود به طوری که در تظاهرات سال ۱۹۶۸، که بیرون از محل برگزاری مراسم دختر شایسته آمریکا در شهر آتلانتیک برگزار شد، در اعتراض به استفاده ابزاری از زنان، شعار «تو حق انتخاب نداری دختر شایسته آمریکا»، را سر می‌دادند. با اینکه این واقعه توجه بسیاری از رسانه‌ها را به خود جلب نمود، چندان نتوانست همه‌گیر باشد. در نتیجه، بسیاری از فعالان تصمیم گرفتند تا به جای توسل به جناح چپ، از زنان عادی در سرتاسر کشور برای رسیدن به اهداف خود بهره‌جویند.^{۲۷}

گروه‌هایی که مسئول بالا بردن آگاهی مردم بودند، به دسته‌های کوچک در محلات مختلف تقسیم می‌شدند و درباره موضوعاتی چون زندگی خانوادگی، آموزش، سکس و کار از دیدگاه خود صحبت می‌کردند. از آنجا که این زنان داستان زندگی خود را می‌گفتند، آنها خود را در رابطه تنگاتنگ با جامعه مردسالار می‌دیدند که نقطه مشترک تمامی زنان بود. بنا به گفته یکی از این زنان: «من خود را بخشی از جامعه بزرگ زنان می‌بینم. شرایط ما منحصر به فرد نیست، می‌توان آن را در ساختار اجتماعی موجود ترسیم نمود».^{۲۸} در کمپین‌های سقط جنین، فعالان زن با قانون‌گذاران، نشست‌هایی را برگزار کردند

as one said, "[I began to] see myself as part of a larger population of women. My circumstances are not unique, but...can be traced to the social structure."²⁸

Meanwhile, in their campaigns for the legalization of abortion, activists testified before state legislatures and held public "speak-outs" where women admitted to illegal abortions and explained their reasons for abortion; these events "brought abortion out of the closet where it had been hidden in secrecy and shame. It informed the public that most women were having abortions anyway. People spoke from their hearts. It was heart-rending."²⁹ The "speak-out" was also used to publicize the largely unacknowledged phenomenon of rape, as activists also set up rape crisis centers and advocacy groups, and lobbied police departments and hospitals to treat rape victims with more sensitivity.³⁰ To publicize date rape, the annual "Take Back the Night" march on college campuses was launched in 1982.³¹

Activists also defined and campaigned against sexual harassment, which was legally defined as a violation of women's rights in 1980; they also redefined spousal abuse as not a tradition but a crime, lobbied for legal change, and set up domestic violence shelters.³² The women's health movement set up a new goal of creating a women-centered health system, rather than the existing system that was often insensitive to women's needs; activists educated themselves on the female body, began giving classes in homes, daycares, and churches, set up women's clinics, and

و دلایل خود را در ارتباط با سقط جنین عنوان نمودند؛ «این امر باعث شد تا مساله سقط جنین به طور عمومی مورد بحث قرار گیرد. فعالان تلاش داشتند تا به عموم مردم بفهمانند که بیشتر زنان تجربه سقط جنین داشته‌اند. آنها از آنچه که در دلشان بود حرف می‌زدند.»^{۲۹} طی این نشست‌ها فعالان تلاش می‌کردند تا مساله تجاوز را نیز به طور عمومی مورد بحث قرار دهند و جهت پیشبرد چنین رویکردی، گروه‌های دفاع از زنان



و مراکز بحران در خصوص زنان قربانی، ایجاد کردند. همچنین فعالان از روش‌های لابی‌گری در مراکز پلیس و بیمارستان‌ها جهت مراقبت از قربانیان تجاوز جنسی، استفاده می‌کردند.^{۳۰} جهت عمومی‌سازی بحث مربوط به تجاوز در رابطه میان دختران و پسران، راهپیمایی در دانشگاه‌ها در سال ۱۹۸۲، برپا گردید.^{۳۱}

همچنین فعالان زن، فعالیت‌های خود را علیه آزار جنسی به عنوان نقض حقوق زنان آغاز

published the reference book *Our Bodies, Ourselves*.³³

Meanwhile, the women's movement was producing a huge number of journals in local communities across the country. While these journals were produced largely for members of the movement, Gloria Steinem's *Ms. Magazine*, founded in 1971, expanded the audience to the general public at a national level. It publicized the problems ordinary women faced, published inspirational stories of successful women, and covered grassroots activist efforts across the country.³⁴

At the same time, the movement used class action lawsuits, formal complaints, protests, and hearings to create legal change.³⁵ By the late 1970s, they had made tangible, far reaching gains, including the outlawing of gender discrimination in education, college sports, and obtaining financial credit³⁶; the banning of employment discrimination against pregnant women³⁷; the legalization of abortion³⁸ and birth control³⁹; and the establishment of "irreconcilable differences" as grounds for divorce and equalization of property division during divorce.⁴⁰ Members of the women's movement were invigorated by these successes; as one said, "I knew I was a part of making history...It gave you a real high, because you knew real things could come out of it."⁴¹

The August 1970 Women's Strike for Equality, a nationwide wave of protests, marches, and sit-ins, captured this spirit of optimism. However, it soon gave way

کردند؛ سوءاستفاده جنسی از سوی همسران نیز مساله دیگری بود که از سوی مدافعین حقوق زن مورد بحث قرار گرفت. به علاوه خانه‌های امنی برای حمایت از زنان قربانی خشونت خانگی تأسیس گردید.^{۳۲} یکی دیگر از مسائل مورد توجه جنبش زنان، ایجاد نظام بهداشت و سلامت زنان بود که نیازهای خاص زنان را مورد توجه قرار دهد. فعالان تلاش نمودند تا آگاهی خود را نسبت به مسائل پزشکی زنانه بالا برند و در همین راستا کلاس‌هایی را در خانه‌ها، مهد کودک‌ها و کلیساها برگزار کردند. همچنین فعالان توانستند کلینیک‌های پزشکی برای زنان راه‌اندازی و کتاب مرجعی را تحت عنوان بدن‌های ما، خودمان، تألیف کنند.^{۳۳}

در عین حال، جنبش زنان مجلات بسیاری در سراسر کشور منتشر می‌کرد. با اینکه این مجلات به طور عمده برای اعضای جنبش تهیه می‌شدند، مجله گلوریا استینم که در سال ۱۹۷۱، تأسیس گردیده بود، طیف وسیعی از جامعه را مخاطب قرار داد. این مجله مشکلاتی که زنان عادی با آن روبه‌رو بودند و داستان زندگی زنان موفق و تلاش فعالان مردمی را منعکس می‌کرد.^{۳۴}

جنبش زنان از راه‌های قانونی همچون تشکیل پرونده و طرح شکایت نزد مراجع قضایی نیز مطالبات زنان را دنبال می‌کرد.^{۳۵} از جمله مهم‌ترین دستاوردهای جنبش تا اواخر دهه ۷۰، عبارت بودند از: منع تبعیض جنسی در مدارس و دانشگاه‌ها، ورزش و نیز تحصیل اعتبار مالی^{۳۶}؛ منع تبعیض در محیط کاری علیه زنان باردار^{۳۷}؛ قانونی کردن سقط جنین^{۳۸} و پیشگیری از بارداری^{۳۹}، حق طلاق به دلیل عدم ناسازگاری و برابری در تقسیم اموال پس از طلاق.^{۴۰} این دستاوردها اراده اعضای جنبش را بسیار تقویت کرد. همچنان که یکی

to a backlash exemplified by the failure of the Equal Rights Amendment (ERA), a proposed constitutional amendment that would protect women's rights. It swiftly passed Congress in 1972 and was ratified by 30 states by the end of the following year. Still, it was unable to gain the 8 additional ratifications necessary by the 1982 deadline. At first there was widespread public support for the ERA by a margin of at least two to one - in theory, at least.⁴² In practice, the public was still very conservative when it came to men's and women's roles, and a growing backlash against the changes feminism represented coincided with a backlash against gay rights and abortion rights, as led by the newly ascendant conservative movement, particularly the Christian right wing.

Moreover, the women's movement failed to communicate the benefits of the ERA; by the time it passed Congress, many of the inequalities in the country's laws had already been addressed, and it was hard for the public to see what positive impact the amendment could have.⁴³ The ERA's opponents, on the other hand, painted a vivid picture of the terrible effects the ERA could have on the country. They attacked it as a plot to dismantle the foundations of American society, especially the family, and denounced the ERA's "hidden agenda": "taxpayer funding of abortions and the entire gay rights agenda."⁴⁴ The ERA's leading opponent, Phyllis Schlafly, denied that women were discriminated against at all; rather, she said, they enjoyed a sanctified

از اعضا گفته است: «می‌دانستم که من بخشی از جنبش تاریخ‌ساز خواهم بود، این امر به انسان دید وسیع و واقعی می‌دهد چرا که شما می‌دانید چیزهای واقعی از آن ناشی می‌شود.»^{۴۱}

اعتصاب زنان برای برابری در اوت ۱۹۷۰، موج وسیعی از اعتراضات، راهپیمایی‌ها و نشست‌ها، همگی در تقویت روحیه اعضای جنبش بسیار مؤثر بود. اصلاحات قانون اساسی برای حقوق برابر نیز سرانجام از سوی ۳۰ ایالت در اواخر سال ۱۹۷۳، به تصویب رسید اما جنبش نتوانست ۸ تصویب دیگر را تا مهلت قانونی یعنی سال ۱۹۸۲، به دست آورد. اول آنکه گروه‌های اندکی به نسبت دو به یک این اصلاحات را مورد حمایت قرار می‌دادند.^{۴۲} در عمل نیز گروه‌های بسیاری در مورد نقش‌های مردان و زنان، نظرات محافظه‌کارانه داشتند و مقاومت نسبت به خواسته‌های زنان با عکس‌العمل‌هایی علیه حقوق همجنس‌گرایان و سقط جنین از سوی جناح راست مسیحی همراه گردید.

به علاوه، جنبش زنان نتوانست از فواید اصلاحات فوق به اندازه کافی سخن گوید. زمانی که این اصلاحات از تصویب کنگره گذشت، بسیاری از نابرابری‌های قانونی مورد بحث قرار گرفته بود اما عموم مردم نمی‌توانستند نکات مثبت این دسته از اصلاحات را ببینند.^{۴۳} از طرف دیگر، مخالفان اصلاحات، تبلیغات گسترده‌ای را علیه اصلاحات آغاز کرده بودند. آنها این تغییرات را دسیسه‌ای برای سست کردن پایه‌های جامعه آمریکا به خصوص خانواده معرفی می‌کردند و حامیان سقط جنین و حقوق همجنس‌گرایان را تقیح می‌کردند.^{۴۴} فیلیس اشلافل، یکی از اصلی‌ترین مخالفین بود که تبعیض جنسی علیه زنان را به طور کل انکار می‌کرد و معتقد بود زنان

position in American society through the "Christian tradition of chivalry," which the ERA would destroy.⁴⁵ While the ERA failed, and the backlash against feminism has continued, the struggle for women's rights has also continued, leaving a lasting impact on American society.

Outreach Activities

Due to the cross-cutting nature of the women's movement, which included women who were already members of other movements, it was naturally suited to build links with these movements. For instance, some members of the feminist movement traveled abroad to meet Vietnamese women who were against the war in that country, in an effort to build sisterly anti-war solidarity.⁴⁶ Meanwhile, feminists with roots in the labor movement launched local groups to organize women workers, improve their working conditions, and fight for their equal rights on the job.⁴⁷ Black feminists targeted such issues as child care, police repression, welfare, and healthcare, and founded the National Black Feminist Organization in 1973.⁴⁸

By the end of the 1970s, activists burned out, and the women's movement fragmented - but the services they founded, such as rape crisis centers, women's shelters, and health clinics, were integrated into the mainstream as cities, universities, and religious organizations provided program funding.⁴⁹ Today the gains of the feminist movement - women's equal access to education, their increased participation in politics and the workplace, their access

از جایگاه والایی در جامعه آمریکا برخوردارند و این را مدیون سنت مسیحی هستند و اصلاحات قصد نابودی آن را دارد.^{۴۵} با وجود آنکه اصلاحات با شکست مواجه گردید، تلاش برای حقوق زنان همچنان ادامه داشت و تاثیر خود را بر جامعه آمریکا گذاشت.

فعالیت‌های فراگستر

به دلیل ماهیت خاص جنبش زنان که اعضای آن پیش‌تر در دیگر جنبش‌ها حضور داشتند، امکان برقراری ارتباط با دیگر جنبش‌ها وجود داشت. بسیاری از اعضای جنبش فمینیستی به دیگر نقاط جهان سفر می‌کردند، به طور مثال آنها به ویتنام سفر می‌کردند تا با زنان ویتنامی که مخالف جنگ بودند ملاقات کنند و همبستگی میان زنان، ایجاد نمایند.^{۴۶} در همین حال فمینیست‌های فعال در زمینه حقوق کار، گروه‌های محلی جهت سازمان‌دهی کارگران زن، بهبود شرایط کار و مبارزه برای حقوق برابر شغلی ایجاد کردند.^{۴۷} فمینیست‌های سیاه‌پوست، مسائلی چون مراقبت از فرزندان، سرکوب پلیس، رفاه اجتماعی و مراقبت پزشکی را مطرح می‌کردند و سازمان ملی فمینیستی سیاهان را در سال ۱۹۷۳، تأسیس کردند.^{۴۸}

تا پایان دهه ۷۰، جنبش زنان دچار از هم گسیختگی شد اما خدماتی که بنیان نهادند همچون مراکز بحران تجاوز جنسی، خانه‌های امن و کلینیک‌های پزشکی در سطح شهرها و دانشگاه‌ها گسترده شده بودند و مراکز مذهبی، بودجه لازم را برای این برنامه‌ها تأمین می‌کردند.^{۴۹} امروزه دستاوردهای جنبش فمینیستی جهت پیشبرد پروژه‌های دیگر بهره‌برداری می‌شود، از جمله این دستاوردها عبارتند از: دسترسی برابر

to abortion and birth control, the existence of resources to aid domestic violence and rape victims, and the legal protection of women's rights - are often taken for granted. While feminists continue to strive for increased equality, as Betty Friedan wrote, "What used to be the feminist agenda is now an everyday reality. The way women look at themselves, the way other people look at women, is completely different...than it was thirty years ago... Our daughters grow up with the same possibilities as our sons."⁵⁰

به آموزش، مشارکت فزاینده در امور سیاسی و محیط‌های اشتغال، امکان سقط جنین و پیشگیری از بارداری، وجود منابع لازم برای کمک به قربانیان خشونت خانگی و تجاوز جنسی و حمایت قانونی از حقوق زنان. زنان همچنان برای دستیابی به حقوق بیشتر فعالیت می‌کنند و همان‌طور که بتی فریدن می‌گوید: «آنچه که تنها به عنوان فمینیسم خوانده می‌شد، امروز بخشی از واقعیت زندگی است. نگاه زنان به خودشان و نگاه دیگران به زنان، کاملاً از آنچه که ۳۰ سال پیش بود متفاوت است، دخترانمان با امکاناتی مشابه پسرانمان رشد می‌کنند.»^{۵۰}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

1. Coontz, Stephanie. *A Strange Stirring: The Feminine Mystique and American Women at the Dawn of the 1960s*. New York: Basic Books, 2011. 42.
2. Coontz, Stephanie. "When We Hated Mom." *New York Times*. 7 May. 2011.
3. *A Strange Stirring* 46.
4. Collins, Gail. *When Everything Changed: The Amazing Journey of American Women from 1960 to the Present*. New York: Little, Brown & Company, 2009. 43.
5. "100 Years of Consumer Spending: 1960-61." Bureau of Labor Statistics. 2006. PDF.
6. Collins 38.
7. Ibid.
8. Collins 117.
9. Ibid. 149-160.
10. Ibid. 165-168.
11. Ibid. 368-9.
12. Rosen, Ruth. *The World Split Open: How the Modern Women's Movement Changed America*. New York: Viking Penguin, 2000. 196.
13. Collins 388.
14. Sullivan, Patricia. "Voice of Feminism's 'Second Wave.'" *Washington Post*. 5 Feb. 2006.
15. Rosen 84, 88.
16. Ibid. 227-9.
17. Ibid. 154, 217.
18. Collins 194.
19. Ibid. 199.
20. Ibid. 238.
21. Ibid. 367.

22. Ibid. 372-3.
23. Rosen 245-6.
24. Ibid. 241.
25. Ibid. 259-60.
26. Ibid. 162.
27. Ibid. 161.
28. Ibid. 197, 248.
29. Ibid. 158.
30. Ibid. 182.
31. Ibid. 184.
32. Ibid. 186-7.
33. Ibid. 176.
34. Ibid. 211, 216.
35. Ibid. 88-90.
36. Title IX of the Education Amendments (1972); the Equal Credit Opportunity Act (1974).
37. The Pregnancy Discrimination Act (1978).
38. The Roe v. Wade Supreme Court decision (1973).
39. The Eisenstadt v. Baird Supreme Court ruling (1972).
40. The Uniform Marriage and Divorce Act (1970), passed by the U.S. Uniform Law Commission, which strongly influenced state laws.
41. Rosen 200.
42. Daniels, Mark R., Robert Darcy, and Joseph W. Westphal. "The ERA Won Ð At Least in the Opinion Polls." PS: Political Science and Politics 15:4 (Autumn 1982), American Political Science Association.
43. Collins 444.
44. Schlafly, Phyllis. "'Equal rights' for women: wrong then, wrong now." Los Angeles Times, 8 April 2007.
45. Collins 451.
46. Rosen 137-8.
47. Ibid. 268-9.
48. Ibid. 282-4.
49. Ibid. 270.
50. Friedan, Betty. Life So Far: A Memoir. New York: Touchstone, 2000. 375.

Learn More

News and Analysis

Carabillo, Toni, Judith Meuli, and June Bundy Csida. "Part II [Timeline]." Feminist Chronicles: 1953-1993. Feminist Majority Foundation. 2009.

CWLU Herstory Project. "Classic Feminist Writings." The Chicago Women's Liberation Union.

"Documents from the Women's Liberation Movement: An Online Archival Collection." Special Collections Library, Duke University. 1997.

بیشتر بدانید

خبرها و مقاله‌ها

Freeman, Jo. "From Suffrage to Women's Liberation: Feminism in Twentieth Century America." Published in *Women: A Feminist Perspective*, ed. Jo Freeman. Mountain View, Calif: Mayfield, 5th ed, 1995, pp. 509-28.

Freeman, Jo. "The Revolution for Women in Law and Public Policy." Published in *Women: A Feminist Perspective* ed. Jo Freeman. Mountain View, Calif: Mayfield, 5th ed., 1995, pp. 365-404.

Hanisch, Carol. "The Personal is Political." *Notes from the Second Year: Women's Liberation*. February 1969.

"Living the Legacy: The Women's Rights Movement, 1848-1998." National Women's History Project. 2002.

Middleton, Ken. "Discovering American Women's History Online." James E. Walker Library, Middle Tennessee State University. 2010.

National Women's History Project Resource Center. 2009.

Steinem, Gloria. "After Black Power, Women's Liberation." *New York Magazine*. 4 April 1969.

"Women and Social Movements in the United States, 1600-2000." Center for the Historical Study of Women and Gender, SUNY Binghamton; Alexander Street Press. 2011.

Books

کتاب‌ها

Baxandall, Rosalyn and Linda Gordon, eds. *Dear Sisters: Dispatches from the Women's Liberation Movement*. New York: Basic Books, 2000.

Brownmiller, Susan. *In Our Time: Memoir of a Revolution*. New York: Dial Press, 2000.

Collins, Gail. *America's Women: 400 Years of Dolls, Drudges, Helpmates, and Heroines*. New York: Harper Collins, 2004.

Collins, Gail. *When Everything Changed: The Amazing Journey of American Women from 1960 to the Present*. New York: Little, Brown and Company, 2009.

Coontz, Stephanie. *A Strange Stirring: The Feminine Mystique and American Women at the Dawn of the 1960s*. New York: Basic Books, 2011.

Davis, Flora. *Moving the Mountain: The Women's Movement in America Since 1960*. New York: Simon & Schuster, 1991.

Faludi, Susan. *Backlash: The Undeclared War Against American Women*. New York: Anchor, 1991.

Freedman, Estelle. *No Turning Back: The History of Feminism and the Future of Women*. New York: Ballantine Books, 2003.

Friedan, Betty. *The Feminine Mystique*. New York: Norton & Company, 1963.

Helgesen, Sally. *Everyday Revolutionaries: Working Women and the Transformation of American Life*. New York: Doubleday, 1997.

Hooks, Bell. *Feminist Theory: From Margin to Center*. Cambridge: South End Press, 1984.

Jones, Jacqueline. *Labor of Love, Labor of Sorrow: Black Women, Work, and the Family, from Slavery to the Present*. New York: Basic Books, 2009.

Kessler-Harris, Alice. *Out to Work: The History of Wage-Earning Women in the United States*. New York: Oxford University Press, 1983.

Rosen, Ruth. *The World Split Open: How the Modern Women's Movement Changed America*. New York: Penguin, 2006.

Schneir, Miriam. *Feminism in Our Time: The Essential Writings, World War II to the Present*. New York: Vintage Books, 1994.

Siegel, Deborah. Sisterhood, Interrupted: From Radical Women to Girls Gone Wild. New York: Palgrave Macmillan, 2007.

Videos

Reichert, Julia and Jim Klein. Growing Up Female. 1971.

ویدئو ہا